

علمی پژوهشی

مقایسه نسلی ارزش‌ها و نگرش‌های مادران و دختران درباره ازدواج و تشکیل خانواده: مورد مطالعه شهرستان دیواندره

محمود مشفق^۱ و اسماعیل اسماعیل پور^۲

چکیده

این مقاله به مقایسه تفاوت‌های بین نسلی نگرش‌ها و ارزش‌های مادران و دختران نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده می‌پردازد. روش پیمایشی و با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای روی ۵۱۰ نفر از مادران و دختران آنها در شهر دیواندره در استان کردستان انجام گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که هر دو نسل در مورد سن مناسب ازدواج، فرزندان و اهمیت نقش مادری ارزش‌های مشابه دارند، اما در مورد چند همسری مردان و ازدواج خویشاوندی دارای نگرش‌های متضاد هستند. نگرش‌های دختران نسبت به مادران در خصوص زمان‌بندی برای تولد فرزند اول، فاصله سنی مناسب زوجین، نحوه انتخاب همسر دارای نگرش‌های مدرن‌تری بوده و این تفاوتها از نظر آماری معنادار شد. مهمترین تعیین کننده‌های تغییر نگرش دختران به ارزش‌های ازدواج، خانواده و فرزندآوری سطح تحصیلات مادران و مدت تماشای برنامه‌های تلویزیونی و سطح درآمد پدر خانواده می‌باشد. اگر چه ازدواج در منطقه مورد مطالعه از اهمیت بالائی برخوردار است، ولی نتایج بیانگر نفوذ آرام ارزش‌های مدرن ازدواج و خانواده در این منطقه نسبتاً سنتی است.

واژگان کلیدی: مقایسه نسلی، ایده آلیسم توسعه، مادران و دختران، ازدواج و خانواده

۱- دانشیار جمعیت‌شناسی، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی moshfegh@atu.ac.ir

۲- کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی از دانشگاه علامه طباطبائی i.ismaelpouraghdam@atu.ac.ir

مقدمه

ارزش‌ها و ایده‌آل‌های ازدواج و خانواده یکی از مهمترین بسترهای گذار جمعیتی در جوامع مختلف دنیا است. در حال حاضر، در حالیکه بسیاری از کشورهای در حال توسعه مراحل گذار اول جمعیتی را تجربه می‌کنند، کشورهای توسعه یافته وارد گذار دوم جمعیتی شده‌اند، صاحب نظران گذار جمعیتی دوم معتقداند مهمترین مشخصه گذار دوم در جوامع غربی تغییرات اساسی در نهاد و ساختار ازدواج و خانواده است (Van de Kaa 2002, Lesthaeghe 2014). این تغییرات به سرعت در حال انتشار در جوامع در حال توسعه و کمتر توسعه یافته است و طی دو دهه اخیر ارزشهای ازدواج، تشکیل خانواده و فرزندآوری در بسیاری از این جوامع دچار دگرگونی‌های اساسی شده است. در عین حال برخی جوامع همچنان در مقابل ارزشهای خانواده مدرن غربی مقاومت می‌کنند. حال سوال این است که جوامع سنتی تا چه حد توان حفظ ارزشها و ایده آل‌های سنتی و بومی خود در زمینه ازدواج، خانواده و فرزندآوری را دارند؟ آیا جریان جهانی شدن مدرنیته همه جوامع را در خواهد نوردید و الگوهای ازدواج و خانواده در نسل‌های جدید جمعیتی جوامع سنتی به تدریج مشابه کشورهای توسعه یافته خواهد شد و در آینده با یک جهان تک قطبی از ساختار و نظام خانواده مواجه می‌شویم، یا جوامع سنتی مسیر تاریخ خانواده خود را طی می‌کنند و تنوع و تکثر نظام‌های خانواده همچنان در جهان تداوم خواهد داشت.

همانطور که هین و همکاران (Hin, Gauthier et al. 2011) اشاره می‌کنند ارزشهای ازدواج، خانواده و فرزندآوری دارای ارزش پیش‌بینی‌کنندگی هستند و نشان می‌دهند که افراد هر جامعه در چه سنی و چگونه ازدواج خواهند کرد و در نهایت الگوی خانواده به چه سمت و سویی حرکت می‌کند. طی نیم قرن گذشته، به دنبال نفوذ ارزش‌ها و نگرش‌های مدرن در جوامع در حال توسعه، متوسط سن ازدواج، چگونگی تشکیل و شکل خانواده و الگوی خانواده به تبع آن شاخص‌های کمی دموگرافیک به ویژه میزان باروری کل دچار تغییرات اساسی شده‌اند (Malimonov, Rakhinskiy et al. 2018) (Rahman and Zhang 2017).

بر اساس برآوردهای بخش جمعیت سازمان ملل تغییرات قابل ملاحظه‌ای در میزان فرزندآوری در کشورهای در حال توسعه رخ داده است. میزان باروری کل در در مناطق توسعه یافته و در حال توسعه طی دوره ۲۰۲۰-۱۹۷۰ به ترتیب از ۲.۱۶ در سال به ۱.۶۴ و ۵.۴۱ به ۲.۶ رسیده است. این شاخص در همین دوره در قاره آسیا از حدود ۵ بچه برای هر مادر به ۲.۱۵ بچه به ازاء هر زن کاهش یافته است. در سال ۱۹۷۰، این میزان برای کشور ایران ۶.۳ بچه به ازاء هر زن بوده، که به حدود ۲ بچه در سال ۲۰۲۰ رسیده است (United Nations, 2020).

مطالعات نشان می‌دهد که همه استان‌های ایران یک همگرایی مستمر سطح و روند باروری و ازدواج را تجربه نموده‌اند (Abbasi-Shavazi, McDonald et al. 2009). استان کردستان که جزء استانهای کمتر توسعه یافته ایران محسوب می‌شود، تغییرات شگرفی را در میزان باروری کل تجربه نموده است، بطوریکه از سال ۲۰۱۰ به کمتر از سطح جانشینی (۲.۱) بچه برای هر مادر) رسیده است (محمودیان and رضائی) (۱۳۹۱). در سال ۲۰۰۶، میانگین سن در اولین ازدواج برای مردان و زنان در این استان به ترتیب برابر ۲۵.۸ و ۲۳.۲ سال بوده است که سال ۲۰۱۶ به ترتیب به ۲۷.۲ و ۲۳.۲ تغییر یافته است (مرکز آمار ایران، ۲۰۱۶)^۱

تحقیق‌هایی که در استان کردستان صورت گرفته نشان می‌دهند، نشان می‌دهند اگر چه این استان از سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی بالایی برخوردار نیست؛ اما رفتارها و نگرش‌های جدید ازدواج و خانواده و نیز باروری پایین در آن به سرعت اشاعه یافته است. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که حتی زنان جوان روستاهای استان کردستان که سطح سواد و آموزش بالایی برخوردار نیستند، متمایل به ارزشها و هنجارهای جدید خانواده هستند و به فرزند آوری پایین تمایل دارند (Mahmudian and Rezaei 2012, Abbasi-Shavazi and Khani 2016).

هدف این مقاله، مطالعه مقایسه‌ای ارزش‌ها و نگرش‌های ازدواج و تشکیل خانواده در میان دو نسل مادران و دختران در شهرستان دیواندره در استان کردستان می‌باشد. این پژوهش به دنبال مشخص کردن تغییراتی است در نگرش‌ها و ارزش‌های نسل جدید دختران نسبت به مادرانشان رخ داده است. به نظر می‌رسد در بین این دختران با وجود اینکه از شرایط اقتصادی خوبی برخوردار نیستند؛ ارزش‌های جدید خانواده؛ ازدواج و باروری اشاعه یافته باشد. سوالات اساسی که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرند عبارتند از: در شرایط کنونی، جامعه مورد مطالعه، تفاوتها و شباهتهای ارزش‌ها و نگرش‌های مادران و دختران پیرامون: نقشهای جنسیتی، انتخاب همسر، چند همسری، ازدواج و تشکیل خانواده، و ارزش فرزند در چه زمینه‌هایی است؟ مطالعه این مسأله در شناخت تحولات آتی شکل ازدواج و نهاد خانواده در مناطق با توسعه اقتصادی کم و همچنین شناسایی روند تحولات و مشخصه‌های ارزشی و نگرشی جوانان اینگونه مناطق از اهمیت اساسی برخوردار است.

مبانی و چارچوب نظری

به منظور مطالعه تغییرات ازدواج و خانواده دو دیدگاه تبیینی قابل شناسایی است: دیدگاه نخست با نام تبیین‌های ساختاری^۱ که به اثرات تغییرات ساختار جامعه بر خانواده تأکید دارد. دیدگاه دوم با نام تبیین‌های ایده‌ای^۲ که بر عامل‌های فرهنگی و اندیشه‌ای در جامعه تأکید می‌ورزد (Pampel 2011, Thornton, Binstock et al. 2015).

یکی از نظریات مطرح در پارادایم تبیین ساختاری، نظریه نوسازی است. در نظریه نوسازی نیروهای جدید اجتماعی، یعنی جریان شهرنشینی، صنعتی شدن و آموزش عمومی، زمینه ساز تغییر شیوه‌های ازدواج، تشکیل خانواده است. بر این مبنا، تغییرات حوزه ازدواج و نهاد خانواده، به عنوان سازگاری قاعده مند با تغییرات در وضعیت نظام اجتماعی یا به عبارتی انطباق با وضعیت اقتصادی- اجتماعی تغییر یافته در نظر گرفته می‌شود. تغییر از خانواده محوری به فردگرایی با بهتر شدن موقعیت زنان در جامعه، گسترش شهر نشینی، گسترش تحصیلات همگانی، حق انتخاب در ازدواج و تشکیل خانواده در سن‌های بالاتر همراه است (Abbasi, Mehryar et al. 2002).

نظریه گذار جمعیتی دوم و نظریه ایده الیسم توسعه، دو نمونه از تئوری‌های هستند که تغییرات و تحولات در حوزه نهاد خانواده و ازدواج را با تکیه بر تغییرات ایده‌ای و اندیشه‌ای مورد بررسی قرار می‌دهند.

نظریه ایده‌الیسم توسعه^۳ تلاش می‌کند که چرایی و چگونگی تغییر ارزش‌ها و نگرش‌ها در حوزه خانواده و ازدواج را در جوامع در حال توسعه تبیین کند. تأکید اصلی این نظریه بر گسترش ایده‌ها و افکار در ارتباط با ترقی و پیشرفت و توسعه یافتگی در جهان، به منظور دست یابی به یک نمونه عالی و ایده آل برای سراسر گیتی نشر یافته است (Thornton 2001). این قالب نظری موجبات تغییر در بسیاری از الگوهای جمعیتی و رفتارهای اجتماعی انسان‌ها نظیر توسعه آزادی و تساوی حقوق انسانی در بسیاری از زمینه‌ها از جمله خانواده: نظیر پایین آمدن میزان‌های باروری، زیاد شدن سن ازدواج، همسانی جنسیتی، توسعه و پیدایش خانواده هسته‌ای، افزایش سن ازدواج، برابری جنسیتی، گزینش مستقل همسر و ... فراهم کرده است. با وجود اینکه آرمان‌های مرتبط با این قالب فکری برای اولین بار در میان متفکرین و پژوهشگران غربی توسعه و بسط یافته بود، اما از راه آموزش و تحصیل همگانی، گسترش شهر نشینی، گسترش و توسعه وسایل ارتباط جمعی، صنعتی شدن و ... با وجود مخالفت در بعضی از نواحی عرفی‌تر دنیا؛ به سرعت در سراسر جهان گسترش پیدا کرد؛ و به عنوان عاملی مؤثر در سرعت بخشیدن به روند تغییر و دگرگونی در الگوهای رفتاری خانواده و ارزش‌ها و نگرش‌های ازدواج شناخته شد (تورنتون، ۲۰۰۵) (Allendorf, Thornton et al. 2019, Thornton 2019).

1-Structural Explanation

2-Ideational Explanation

3- Developmental Idealism

اساس نظریه گذار دوم جمعیتی^۱، ارزش و جایگاه ازدواج در همه جوامع با کاهش روبه رو بوده است. طلاق و قوانین آن آسان‌تر و جنبه فردی پیدا کرده است. تغییرات زیادی در نقش‌های جنسیتی با مشارکت بیشتر زنان در آموزش و اشتغال بوجود آمده است. تولد فرزندان، خارج از حیطه ازدواج با افزایش چشمگیری همراه بوده است. نگرش نسبت به برابری جنسیتی نقش‌ها تغییر پیدا کرده است. دست یابی به وسایل ضد بارداری و سقط جنین و عقیم سازی آسان‌تر شده و متعاقب آن میزان‌های باروری با کاهش شدید همراه بوده است. ارزش‌ها و هنجارها در مقابل بی فرزندی داوطلبانه زوج‌های ازدواج کرده تضعیف شده. فرد گرایی و تفکر مستقل فردی به یک ارزش تبدیل شده و با رشد زیادی همراه بوده است. در مجموع نگرش نسبت به تشکیل خانواده و ازدواج منفی است در مقایسه با مرحله گذار اول که نگرش به خانواده گرایی و ازدواج مثبت بود. (Van de Kaa 2002, Lesthaeghe 2014, Zaidi and Morgan 2017)

یافته‌ها پژوهشی را درباره تفاوت‌های نسلی در ارزش‌ها و نگرش‌های ازدواج و خانواده را می‌توان در سه دسته عمده تقسیم بندی کرد: دسته اول کسانی که قائل به وجود تمایز و فاصله در بین دو نسل مورد مطالعه خود هستند (مالهوترا^۲ و همکارانش (۱۹۹۲) شارما^۳ (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای دیگر چن^۴ (۲۰۰۹). مالهوترا^۵ و همکارانش (۱۹۹۲) در تبیین شباهت‌های نسلی دختران و مادران در ادراکات و انتظارات ازدواج در کشور سری لانکا نشان دادند که نگرش‌های مادران با دخترانشان درباره ازدواج تا حدود زیادی متفاوت است و دختران در مقایسه با مادران کاملاً مدرن فکر می‌کنند. گسترش آموزش و افزایش میزان تحصیلات و استفاده از رسانه‌ها در تبیین تفکر جدید دختران نسبت به مادران در امر ازدواج بسیار مهم بوده است، بدین صورت که اگر در جامعه‌ای فرصت‌های تحصیلی و آموزشی و رفاه اجتماعی برای زنان در دسترس باشد، مادران در توافق بیشتری با دخترانشان بر ابعاد فردی ازدواج تأکید دارند تا ابعاد خانوادگی آن. به عبارتی دیگر دسترسی به تحصیل می‌تواند فاصله نسلی بین مادران و دختران را کم کند و میزان شباهت‌ها در مقایسه با تفاوت‌ها بیشتر شود (Askari Nodoushan, Abbasi Shavazi et al. 2009). شارما^۶ (۲۰۰۵) بر تفاوت‌های بین نسلی تأکید دارد و بیان می‌کند که در بین دو نسل دختران و مادران در هند در ارتباط با مفهوم ازدواج و مخصوصاً ازدواج‌های رمانتیک و عاشقانه بین نسل‌ها تفاوت وجود

1-Second Demographic Transition

2- Malhotra et al

3-Sharma

4-Chow, N. & E. Lum

5-strong

6-Chen

7- Malhotra et al

8-Sharma

9-Chow, N. & E. Lum

10-strong

دارد (Sharma, Vaid et al. 2005). در مطالعه‌ای دیگر چن (۲۰۰۹)، تغییرات الگوی ازدواج را با تکیه بر جدول عمر در بین افراد دو نسل قدیم و جدید بررسی می‌کند. نتایج چن بیان می‌دارد که مدل ازدواج زودرس که در بین نسل‌های قدیمی رایج بود، جای خود را به ازدواج در سنین بالاتر در میان افراد متعلق به نسل‌های جوان‌تر داده است (Chen, Fiske et al. 2009). دسته دوم مطالعاتی هستند که به تغییر و تداوم ارزشها و نگرشهای خانواده تأکید دارند، این مطالعات بیان می‌کنند که اگر چه در برخی جهات ارزشها و نگرشهای خانواده تغییر کرده است، اما در برخی جهات هم ارزشها و نگرشهای سنتی تداوم داشته‌اند. (ارمکی، آزاد et al. 2002)، عباسی‌شوازی و ترابی (۱۳۸۵) (خسروشاهی، ۲۰۱۴).

آزادارمکی و همکاران (۱۳۷۹) با پژوهش بر روی سه نسل از خانواده‌های تهرانی، مدلی از تفاوت‌ها و شباهت‌های نسلی یا به تعبیری دیگر تداوم و تغییر در ارزش‌ها و سنت‌های مسلط بر نهاد خانواده و نگرش‌های موجود نسبت به آن‌ها وجود دارد. آنها در پژوهش خود نتیجه‌گیری می‌کنند که در نسل‌های جدیدتر نه تنها سن ازدواج بالاتر رفته است، بلکه دامنه همسرگزینی گسترده‌تر شده است (آزاد ارمکی، ۲۰۰۰).

نتایج تحقیق عباسی‌شوازی و ترابی (۱۳۸۵) نشان می‌دهد که تفاوت‌های بین نسلی در مورد ویژگی‌های فردی به کاهش مطلوبیت و گسترش ازدواج خویشاوندی در میان نسل والدین منجر نگردیده است. الگوی رفتاری و نگرشی دو نسل والدین و فرزندان متأثر از جریان‌های مدرنیزاسیون و شهرنشینی بوده است (عباسی‌شوازی و ترابی، ۱۳۸۵).

عباسی‌شوازی و عسکری ندوشن (۱۳۸۴) تغییرات بین نسلی در بررسی ارزش‌های ازدواج و تشکیل خانواده در بین دو نسل مادران و دختران در شهر یزد دریافتند که مادران و دختران در نگرشهایی چون: نگرش منفی نسبت تجرد زیستی، کسب شناخت کافی از همسر آینده قبل از ازدواج هم نظر بوده‌اند. اما در خصوص ازدواج فامیلی، شروع زندگی زناشویی، سن در تولد اولین فرزند تفاوت داشتند و در این زمینه‌ها دختران ارزشهای مدرنتری داشته‌اند.

خسروشاهی (۲۰۱۴) در بررسی تفاوت‌های بین نسلی در خانواده ایرانی نشان می‌دهد که میان والدین و فرزندان تفاوت بین نسلی تا حدی وجود دارد، لیکن این تفاوت‌های بین نسلی شکل بحرانی ندارد. او نتیجه‌گیری می‌کند که ما دارای نوعی وفاق نسبی هستیم. بیشترین حوزه‌های تفاوت نسلی میان فرزندان و والدین در دوستی دختر با پسر بوده است و کمترین تفاوت در معاشرت با دوستان همجنس بوده است.

دسته سوم، معتقدند در جامعه مورد مطالعه آنها شکاف یا فاصله نسلی وجود ندارد (دانش، ۱۳۹۳؛ کریمیان و نوابخش، ۱۳۸۷). این گروه نسبت به گروه اول و دوم در اقلیت هستند. دانش و همکاران (۱۳۹۳) در تحلیل ثانویه خود در مورد ارزشهای سنتی و نوگرایانه دو نسل، شکاف نسلی را در ایران تایید میکنند. کریمیان و نوابخش (۱۳۹۵) در مطالعه خود، شکاف نسلی فرزندان و والدین در انتظار از نقشهای والدینی و خانوادگی را در خانواده های شهری ایران تایید کرده اند.

داده و روش

شهرستان دیوان دره در رشته کوه زاگرس قرار دارد، این شهرستان یکی از شهرستانهای استان کردستان در ایران است^۱. در این پژوهش روش تحقیق پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه محقق ساخته انجام شده است. و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. جمعیت آماری این مطالعه کلیه دانش آموزان دختر دوره متوسطه شهرستان دیواندره و مادران آنها در سال ۱۳۹۸ می‌باشد که تعداد کل دانش آموزان دختر برابر با ۷۶۳ نفر است. شیوه نمونه گیری در این مطالعه، نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای است. پرسشنامه دانش آموزان دختر در مدرسه توسط خود آنان تکمیل می‌شود، سپس با آموزشهای لازم برای دخترانی که جزء جمعیت نمونه بوند، پرسشنامه مادران، توسط دخترانشان تکمیل گردیده است. با استفاده از فرمول حجم نمونه کوکران و پذیرش در سطح اطمینان ۹۵٪ درصد و آلفا ۰۵/ تعداد ۲۵۵ نفر به عنوان حجم نمونه برای شهر دیواندره انتخاب شد که با احتساب مادران آنها تعداد ۵۱۰ پرسشنامه لازم بود که تهیه و در اختیار دانش آموزان و مادران آنها قرار گرفت.

۱. مرکز آمار ایران فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های ربال جلد ۳۵، صفحه ۱۵۵.

جدول ۱- توزیع حجم جمعیت و نمونه مورد مطالعه

نام آموزشگاه	پایه دهم	پایه یازدهم	سال چهارم	تعداد کل دانش آموزان آموزشگاه	PPS متناسب با حجم دانش آموزان	حجم نمونه مادران
نور	۸۷	۵۸	۴۹	۱۹۴	۶۵	۶۵
پروین اعتصامی	۶۸	۸۷	۶۱	۲۱۶	۷۲	۷۲
عصمت زرينه	۴۹	۴۵	۴۰	۱۳۴	۴۵	۴۵
فضیلت	۸۵	۶۱	۷۳	۲۱۹	۷۳	۷۳
جمع	۲۸۹	۲۵۱	۲۲۳	۷۶۳	۲۵۵	۲۵۵

در این پژوهش از اعتبار صوری استفاده شده است؛ جهت دستیابی به اعتبار صوری شاخص‌های تحقیق از طریق مراجعه به داوران، این امر میسر شده است. روال کار به این صورت بود که جهت اخذ اعتبار صوری، سؤالات و گویه‌های که در تحقیقات قبلی که در زمینه ازدواج و تشکیل خانواده انجام گرفته بود، در جهت تکمیل پرسشنامه استفاده شد؛ سپس پرسش نامه‌های تهیه شده در اختیار چند داور قرار گرفت و از نظرات آنها جهت تصحیح پرسشنامه و هر چه پر بار تر کردن اعتبار پرسش نامه‌ها استفاده شد.

یافته‌ها

ویژگی‌های اجتماعی - جمعیتی پاسخگویان

بر اساس نتایج، ۵۲ درصد نمونه تحقیق را دختران و در مقابل ۴۸ درصد را مادران تشکیل می‌دهند. ۷۵ درصد دختران پاسخگو در شهر و ۲۵ درصد در روستا به دنیا آمده بودند. ۵۷ درصد مادران ساکن شهر؛ و ۴۳ درصد ساکن روستا هستند. میانگین کل سن مادران برابر با ۴۲ سال است. حداقل سن مادران ۲۹ و حداکثر سن ۶۳ سال بوده و بیشترین فراوانی متعلق به ۴۰ سال‌ها است که در گروه‌های سنی نیز با حدود ۳۷ درصد به گروه‌های سنی ۴۰ تا ۴۴ اختصاص دارد. ۹۳ درصد مادران خانه دار و فقط ۷ درصد شاغل هستند. حداقل سن دختران پاسخگو ۱۶ سال و حداکثر ۲۱ سال بودند. دختران ۱۷ ساله؛ بیشترین فراوانی را در میان دختران این تحقیق داشته اند و آنها حدود ۴۲ درصد دختران مورد مطالعه را تشکیل می‌دهند. میانگین سنی دختران، برابر با ۱۷ سال است. بررسی نتایج حاصل پیرامون گروه‌های سنی مادران نشان می‌دهد که ۳۰ درصد نمونه در گروه سنی تا ۳۹ سال قرار دارند؛ ۳۷ درصد در گروه سنی ۴۰ تا ۴۴ سال و ۳۳ درصد در گروه سنی ۴۵ سال و بیشتر قرار دارند. میانگین فاصله سنی میان مادران و دختران در این تحقیق ۲۵ سال بود. بررسی وضعیت تحصیلی دختران نشان می‌دهد که حدود ۵۱ درصد دختران دانش آموز در مقطع تحصیلی دهم و ۳۴ درصد در مقطع تحصیلی یازدهم و ۱۵ درصد در مقطع پیش دانشگاهی مشغول به تحصیل

هستند. همچنین ۳۷ درصد پاسخگویان دختر در رشته ادبیات و علوم انسانی و حدود ۱۰ درصد در رشته علوم ریاضی و فیزیک و ۵۳ درصد در رشته علوم تجربی مشغول به تحصیل هستند که بیشترین فراوانی را دارا می‌باشد و کمترین فراوانی مربوط به دانش آموزان رشته ریاضی و فیزیک است که حدود ۱۱ درصد جمعیت دختران را تشکیل داده است. در ادامه مقاله ارزش‌ها و نگرش‌های مادران و دختران در حوزه‌های زیر مقایسه می‌شوند: الف) مقایسه نگرش‌های دختران و مادران پیرامون نقش‌های جنسیتی. ب) مقایسه ارزش‌ها و نگرش‌ها نسبت به انتخاب همسر و دامنه همسر گزینی. ج) ارزش‌ها و نگرش‌های دختران و مادران پیرامون ازدواج و تشکیل خانواده د) ارزش‌ها و نگرش‌های دختران و مادران پیرامون فرزندان و نقش مادری. ه) ارزش‌ها و نگرش‌های دختران و مادران پیرامون چند همسری.

نقش‌های جنسیتی

برابری جنسیتی با تغییر در فرزند آوری و کاهش باروری در ارتباط است (Goldscheider, Oláh et al. 2010). مک دونالد در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسید که دلیل کاهش باروری در جوامع اروپایی، گسترش برابری جنسیتی در نهادهای خارج از خانواده و فقدان آن در داخل خانواده است (McDonald 2000). برابری جنسیتی با انتقال زوجین از بی‌فرزندی بی‌فرزند اول، دوم و حتی سوم مرتبط است (Dommermuth, Hohmann-Marriott et al. 2017). در بررسی گویه‌ها می‌توان گفت ما شاهد تغییرات نگرش بین نسلی نسبت به نقش‌های جنسیتی در بین نسل دختران هستیم، میانگین نمره دختران در خصوص اینکه خانه‌داری وظیفه زنان است، از نظر آماری کاهش معنادار داشته است (۱.۱۵-) و آزمون خی دو نشان دهنده است که با اطمینان ۹۵ درصد تفاوت‌های مادران و دختران در خصوص این نگرش معنادار است. در خصوص تقسیم کاری جنسی که مرد بایستی خارج خانه کار کند و زن خانه‌داری کند. نمره مادران و دختران، هر دو پایین است، البته مانینگن نمره دختران نسبت به مادران کاهش اساسی داشته است (۱-) و نظر آماری معنادار شده است. به نظر می‌رسد برداشت سنتی از تفکیک نقش‌های جن

جدول ۱- مقایسه نگرشهای مادران و دختران نسبت به نقش‌های جنسیتی

سطح معناداری	مقدار آزمون	تفاوت میانگین‌ها	میانگین نمرات Range=(۰,۵)		متغیرها
			مادران	دختران	
۰/۰۰۰	$X^2=۴۰$ Cramer's V = ۰/۲۷	-۱.۱۵	۳.۱	۴.۲۵	خانه داری وظیفه زنان است. دوست دارم تمام کارهای خانگی را بیاموزم تا در آینده آنها را به نحو احسن انجام دهم.
۰/۰۰۰	$X^2=۵۱$ Cramer's V = ۰/۳۱	-۱	۰.۷	۱.۷	بهتر است مرد بیرون از خانه کار کند و زن به کارهای خانه برسد.
۰/۰۰۱	$X^2=۱۸$ Cramer's V = ۰/۱۸	+۰.۴۵	۴.۳	۳.۸۵	خانه داری فقط وظیفه زن نیست، مرد هم باید کارهای خانه را انجام دهد
۰/۰۰۰	$X^2=۲۲$ Cramer's V = ۰/۲۰	-۰.۶۵	۰.۴	۱.۰۵	اگر خانم‌ها، بیرون از خانه هم به کاری مشغول باشند، دیگر بچه‌ها خوب تربیت نمی‌شوند.
۰/۳۷۳	$X^2=۴$ Cramer's V = ۰/۰۹	-۰.۲۵	۳.۷	۳.۹۵	از اینکه در کارهای خانه هیچ مهارتی نداشته باشم؛ برای آینده‌ام نگران می‌شوم.

همسر گزینی

ازدواج در جامعه ایران، اغلب از طریق شبکه خویشاوندی و توسط والدین تنظیم می‌شود و مدل انتخاب همسر از قدیم الایام حول محور خانواده بود (آزاد ارمکی؛ ۲۰۰۰، سرایی ۲۰۰۶). نتایج جدول نشان می‌دهد که بطور کلی مقبولیت ازدواج خویشاوندی چه بین نسل دختران و چه مادران پایین است، البته بین نسل دختران مقدار این مقبولیت به نصف کاهش یافته است و همانطور که آزمون خی دو نشان می‌دهد این تغییرات معنادار بوده است. همچنین مقبولیت ازدواج تنظیم شده در بین نسل دختران کاهش اساسی داشته است. مقبولیت ازدواج‌های تنظیم شده (بهتر است تصمیم‌گیری در مورد ازدواج را، به بزرگترها سپرد) در بین نسل دختران ۵۰ درصد کاهش یافته است و این کاهش از نظر آماری نیز معنادار بوده است ($p = 0.00$, $X^2 = 36$)

جدول ۲- مقایسه مادران و دختران نسبت به انتخاب همسر حدود و دامنه آن

سطح معناداری	مقدار آزمون	تفاوت میانگین‌ها	میانگین نمرات Range=(0,5)		متغیرها
			مادران	دختران	
۰/۰۰۰	$X^2 = 33$ = ۰/۲۱ Cramer's V	-۰.۵۰	۰.۵	۱	بهتر است ازدواج با یکی از اقوام دور یا نزدیک صورت گیرد.
۰/۰۰۲	$X^2 = 17$ = ۰/۱۸ Cramer's V	-۰.۴	۰.۲	۰.۶	اگر شخصی از اقوام دور یا نزدیک خواستگار من باشد به دلیل قوم و خویش بودن با او ازدواج می‌کنم.
۰/۰۰۰	$X^2 = 36$ = ۰/۲۶ Cramer's V	-۱.۱	۱.۱	۲.۲	بهتر است تصمیم‌گیری در مورد ازدواج را، به بزرگترها سپرد.
۰/۰۰۰	$X^2 = 32$ = ۰/۲۴ Cramer's V	-۰.۵۵	۱.۴۵	۲	از اینکه با کسی ازدواج کنم که پدر و مادرم به من معرفی کرده‌اند احساس امنیت می‌کنم.
۰/۰۱۸	$X^2 = 12$ = ۰/۱۵ Cramer's V	+۰.۴۵	۴.۲	۳.۷۵	بهتر است قبل از ازدواج، به دختر و پسر فرصت داد تا شناخت کافی از یکدیگر پیدا کنند.
۰/۰۰۱	$X^2 = 18$ = ۰/۱۸ Cramer's V	+۰.۳۵	۳.۵	۳.۱۵	شخصی را که پدر و مادرم برای ازدواج با من در نظر بگیرند نخواهم پذیرفت.

نتایج تحقیق نشان دهنده این است که در بین پاسخ گویان دو نسل، تفاوت‌های نگرشی محسوسی در رابطه با نحوه انتخاب همسر وجود دارد. ملاحظه نحوه توزیع پاسخ‌ها در بین مقولات مختلف این پرسش منعکس کننده تمایل بیشتر نسل دختران به آزادی جوانان در امر انتخاب همسر است. این تغییر نگرشی می‌تواند تحت تأثیر بهبود موقعیت زنان، گسترش دست یابی به فرصت‌های تحصیلی در سطوح بالاتر، شهر نشینی، دسترسی به وسایل ارتباط جمعی، باشد.

ازدواج و تشکیل خانواده

نتایج جدول نشان می‌دهد بطور کلی ازدواج در بین نسل مادران و دختران امری ارزشمند است، نسل مادران و دختران، هر دو ازدواج را امری ارزشمند شمرده اند و نمره ارزشمندی ازدواج برای هر دو نسل (مادران = ۴.۵، دختران = ۴.۰۵) بالا بوده است، اگر چه از نظر آماری شاخص ارزش ازدواج در بین نسل دختران با دو واحد کاهش رو به رو بوده است. در این میان، مقبولیت تجرد زیستی در بین نسل دختران (در مجموع من فکر می‌کنم؛ مجرد بودن بهتر از متأهل بودن است) با ۵۰ درصد افزایش رو به رو بوده است. میانگین سن مناسب ازدواج از نظر نسل مادران ۲۲.۷ سال بوده است، در حالیکه میانگین سن مناسب ازدواج ۲۳.۷ سال بوده است. همچنین نگرش دختران نسبت به مادران میل به همسان همسری سنی نموده است و حدود ۰.۶ سال کاهش داشته است. نتایج نشان می‌دهد که نسل جدید دختران مسئولیت‌های ازدواج کمتر دست و پا گیر دانسته اند و این باور که ازدواج مانعی بر سر راه ادامه تحصیل دختران می‌باشد، کاهش یافته است. به نظر می‌رسد که عقلانیت دختران در خصوص تشکیل خانواده رو به افزایش بوده است به طور که این باور که ازدواج کرده‌ها، زندگی راحت‌تری از مجردها دارند به شدت در بین نسل دختران رو به کاهش بوده است. بطور کلی نتایج نشان می‌دهد که در این بستری جامعه سنتی، ازدواج همچنان امری پسندیده است، اما میل به ازدواج در سنین بالاتر در بین دختران تا حدودی افزایش یافته، نامطلوب بودن تجرد زیستی رو به کاهش بوده و نگرش زنان نسبت ازدواج و مسئولیتهای آن مدرنتر شده است.

جدول ۳- مقایسه نگرش‌های مادران و دختران نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده

سطح معناداری	مقدار آزمون	تفاوت میانگین‌ها	میانگین نمرات Range=(0,5)		متغیرها
			مادران	دختران	
۰/۰۱	$t = ۲/۵$	۱	۲۲.۷	۲۲.۷	بنظر شما سن مناسب ازدواج برای دختر چند سالگی است
۰/۰۰۰	$t = ۳/۶$	-۰.۶	۴.۱	۴.۷	بهتر است هنگام ازدواج؛ مرد چند سال از زن بزرگ‌تر باشد؟
۰/۰۰۶	$X^2 = ۱۰$ Cramer's V = ۰/۱۴	-۰.۴۵	۴.۰۵	۴.۵	ازدواج امری ضروری و ارزشمند است.
۰/۰۰۵	$X^2 = ۱۵$ Cramer's V = ۰/۱۷	-۰.۶۵	۱.۲	۱.۸۵	ازدواج باعث می‌شود فرد از مقاطع تحصیلی بالاتر باز بماند.
۰/۰۰۰	$X^2 = ۳۴$ Cramer's V = ۰/۲۵	-۰.۷	۱.۸	۲.۵	مسئولیت‌های ازدواج دست و پا گیر هستند.
۰/۰۰۰	$X^2 = ۶۴$ Cramer's V = ۰/۳۵	-۱.۱۵	۰.۵	۱.۶۵	ازدواج کرده‌ها، زندگی راحت‌تری از مجردها دارند.
۰/۰۰۸	$X^2 = ۱۴$ Cramer's V = ۰/۱۶	-۰.۶۵	۰.۹۵	۱.۶	زن با ازدواج کردن استقلال خود را از دست می‌دهد.
۰/۱۷۵	$X^2 = ۶$ Cramer's V = ۰/۱۱	-۰.۲۵	۱	۱.۲۵	ازدواج، امکان پیشرفت بیشتر در زندگی را می‌گیرد.
۰/۰۰۰	$X^2 = ۶۰$ Cramer's V = ۰/۳۴	۱.۲۵	۲.۵	۱.۲۵	در مجموع من فکر می‌کنم؛ مجرد بودن بهتر از متأهل بودن است.
۰/۰۰۱	$t = ۳/۴$	-۱.۵	۲۰.۵	۲۲	شاخص ارزش ازدواج



نمودار ۱- مقایسه نگرشهای مادران و دختران نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده

مادری و ارزش فرزندان

ارزش فرزندان بعنوان مجموعه ای از چیزهای خوبی است که والدین با داشتن فرزندان بدست می آورند. ارزشهای فرزند بعنوان محرکهای برای داشتن و نداشتن فرزند هستند. برخی از پژوهشها نشان داده است که در جریان نوسازی، بسیاری از ارزشهای سنتی فرزندان از جمله اهمیت نقش مادری، فرزندان بعنوان حامیان دوران پیری؛ فرزندان بعنوان منافع اقتصادی خانواده، فرزندان بعنوان ادامه تداوم دهنده نسل خانواده رو به کاهش گذاشته است. این تغییر کارکرد، شبکه اجتماعی را جایگزین شبکه خانوادگی می کند و در نتیجه، خانواده به واحد هسته‌ای- که بر فردگرایی استوار است- تبدیل می شود.

(Hoffman 1987, Friedman, Hechter et al. 1994, Jensen and Thornton 2003)

جدول ۴- مقایسه نگرش‌های مادران و دختران نسبت به اهمیت نقش مادر و ارزش فرزندان

سطح معناداری	مقدار آزمون	تفاوت میانگین‌ها	میانگین نمرات Range=(0,5)		متغیرها
			مادران	دختران	
۰/۰۰۰	$X^2=85$ = $0/40$ Cramer's V	-۱.۵	۲.۸۵	۴.۳۵	چقدر داشتن فرزند دارای اهمیت است؟
۰/۰۰۰	$X^2=62$ = $0/34$ Cramer's V	-۱.۴۵	۳.۱۵	۴.۶	چقدر مادر شدن را، یک افتخار، می دانید؟
۰/۰۰۰	$t=7$	-۱.۰۵	۴	۲/۹۵	اولین فرزند؛ بعد از چند سال از ازدواج، به دنیا بیاید؟
۰/۰۰۰	$X^2=93$ = $0/42$ Cramer's V	-۲.۰	کمتر از ٪۷۱ (۲ بچه)	بیش از ٪۹۱ (۲ بچه)	زن و شوهر چند بچه داشته باشند؛ مناسب است؟
۰/۰۰۰	$X^2=90$ = $0/42$ Cramer's V	-۱.۹	٪۶۱ دختر	٪۸۰ پسر	از نظر شما اگر قرار باشد خانواده ای، فقط یک بچه داشته باشند؛ آن بچه پسر باشد یا دختر؟
۰/۰۰۰	$X^2=35$ = $0/36$ Cramer's V	-۱	۱.۹۵	۲.۹۵	داشتن فرزند، با توجه به هزینه‌های اقتصادی امروز، باز هم عاقلانه است.
۰/۰۰۰	$X^2=48$ = $0/30$ Cramer's V	-۰.۷۵	۳.۷۵	۴.۵	داشتن فرزند، موجب ادامه نسل فرد می‌شود.
۰/۰۰۰	$X^2=33$ = $0/21$ Cramer's V	-۰.۸	۲.۹۵	۳.۷۵	فرزندکمک حال پدر و مادر در دوران سالمندی است.
۰/۰۰۰	$X^2=85$ = $0/40$ Cramer's V	-۱.۳۵	۲.۹	۴.۲۵	فرزند که به دنیا می‌آید، رزق و روزی‌اش زودتر می‌رسد.
۰/۰۰۰	$X^2=54$ = $0/32$ Cramer's V	-۱.۱	۳.۴	۴.۵	داشتن فرزند موجب تحکیم بنیان خانواده می‌شود.
۰/۰۰۰	$t=8/83$	-۱.۹۳	۱۸.۲۶	۲۰.۱۹	شاخص نگرش به ارزش فرزندان

همناطور که جدول شماره (۴) نشان می دهد اهمیت داشتن فرزند برای نسل های جدید کاهش داشته است و بطوریکه مقدار این گویه برای مادران برابر ۴.۳۵ و برای دختران برابر با ۲.۸۵ بوده است. آزمون خی دو نشان می دهد که این تفاوتها بین دو نسل معنادار شده است. همچنین ارزش نقش مادری برای نسل جدید دختران کاهش داشته است. در حالیکه ۹۱ درصد مادران بیش از بچه را بعنوان تعداد فرزندان مطلوب معرفی کرده اند. حدود ۷۱ دختران ۲ بچه و کمتر را مطلوب دانسته اند. در خصوص ترجیحات جنسی ۸۱ درصد مادران دوست داشته اند اگر فقط یک بچه داشته باشند، آن بچه پسر باشد در حالیکه ۶۱ درصد دختران تمایل داشته اند تنها فرزندشان دختر باشد. این یافته نشان می دهد که ترجیح جنس پسر در میان نسل جدید دختران کاهش یافته است. همچنین یافته های پژوهش نشان می دهد باورهای سنتی در خصوص فرزندان از جمله: فرزند بعنوان تداوم نسل خانواده، فرزند بعنوان برکت زندگی و فرزندان بعنوان عصای دوران پیری روی به تضعیف گذاشته است.



نمودار ۲- مقایسه نگرش های مادران و دختران در مورد ارزش فرزند

چند همسری

چند همسری در ایران، همواره تنها از نوع چند زنی مقبول بوده و علی‌رغم امکان نظری و تأیید دینی در انتخاب بیش از یک زن برای مرد، واقعیت اجتماعی در ایران نشان دهنده تک همسری است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۱۰۴). اگر چه در گذشته بعضی از افراد متمول امکان انتخاب بیش از یک زن را پیدا می‌کردند، ولی رواج آن بالنسبه محدود بوده است.

جدول ۵-مقایسه نگرش‌های مادران و دختران نسبت به چند همسری

سطح معناداری	مقدار آزمون	تفاوت میانگین‌ها	میانگین Range=(0,5)		متغیرها
			مادران	دختران	
۰/۰۰۲	$X^2 = 17$ = ۰/۱۸ Cramer's V	۰/۳۵	۳/۸	۴/۱۵	مردان در صورت موافقت همسر اول می‌توانند همسر دوم انتخاب کنند.
۰/۰۲	$X^2 = 11$ = ۰/۱۴ Cramer's V	-۰/۳	۲/۹	۳/۲	اختیار کردن همسر دوم به هر دلیلی، کارناپسندی است.

در جدول شماره ۵ نگرش‌های مادران و دختران در زمینه چند همسری نشان می‌دهد میانگین نمره مادران برابر با ۴/۱۵ بوده است و در مقابل نمره دختران ۳/۸ بوده است. نشان دهنده افزایش مخالف نسل جدید دختران با پدیده چند همسری است. بطور کلی هر دو نسل چند همسری را بطور نسبی مقبول نمی‌دانند، و این عدم مقبولیت در بین نسل‌های دختران رو به افزایش بوده است.

عوامل تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های ازدواج و خانواده در بین دختران

جهت بررسی تعیین کننده‌های تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های دختران نسل جدید چندین مدل رگرسیونی به روش Forward برازش شده در روش فوروارد متغیرهای که بیشتری سهم را در تغییرات متغیر وابسته دارند نگه داشته می‌شود و بقیه متغیرها کنار گذاشته می‌شوند متغیرهایی که وارد مدل شدند عبارتند از: سن مادر، سن دختر، شغل پدر، شغل مادر، درآمد ماهانه خانوار، رشته تحصیلی، مقطع تحصیلی، مدت استفاده از اینترنت و فضای مجازی در طول روز، مدت تماشای ماهوار، مدت تماشای تلویزیون.

جدول ذیل نشان دهنده مهمترین متغیرهای اثر گذار برای نگرش‌ها و ایدآلهای دختران جوان است. ارزشمند بودن ازدواج تحت تاثیر سطح تحصیلات مادران بوده است، بطوریکه هر چه تحصیلات مادران بیشتر شده است، ازدواج اهمیت و ارزش بیشتری یافته است. خانی و عباسی شوازی اثر مثبت تحصیلات مادر بر نگرش مثبت به ازدواج در بین دختران را تأیید کرده اند

(سعید، حسین et al). اهمیت مادر شدن و ارزش فرزند نیز تحت تاثیر تحصیلات مادران بوده است، اما برخلاف ارزش ازدواج افزایش سطح تحصیلات مادران بر این دو متغیر اثر معکوس داشته است، به این معنا که هر چه سطح تحصیلات مادران افزایش یافته، اهمیت و ارزش مادر شدن و فرزندآوری نزد دختران کاهش یافته است. تورنتون در چارچوب نزی خود، تجارب و نگرشهای والدین در تصمیمات مربوط به ازدواج و تشکیل خانواده را بسیار مهم می داند، او استدلال می کند که نظارت و کنترل والدین بر فرزندان و تعامل آنها در محیط خانواده بر نظر و عمل فرزندان در زمینه ازدواج و فرزندآوری اثرگذار است (Thornton, Binstock et al. 2012). مالهورا و همکارانش (Malhotra) (۱۹۹۲) به نتایج مشابهی در مقایسه نسلی ارزشها و نگرشهای مادران و دختران سری لانکا دست یافته اند، آنها تحصیلات مادران و استفاده از رسانه از در تغییر ارزشها و نگرشها مهم ارزیابی نموده اند. مخالف با ازدواج تنظیم شده و ازدواج فامیلی متاثر مدت تماشای برنامه های تلویزیونی بوده است. اعتقاد به نظام تقسیم کار سنتی در خانواده (کار زن در منزل و کار مرد در خارج خانه) تحت تاثیر درآمد پدر بوده است. بدین معنا که دخترانی که پدرانشان درآمد بالاتری داشته اند بیشتر با کار زن در خانه موافقت داشته اند. جدول ۶- تعیین کننده های تغییرات ارزشهای ازدواج و خانواده در بین نسل دختران

Models	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
	B	Std. Error	Beta		
ارزشمند بودن ازدواج	.۱۱۵	.۰۴۵	.۱۶۲	۲.۵۵۶	.۰۱۱
اهمیت مادر شدن	-.۱۰۲	.۰۴۶	-.۱۴۲	-۲.۲۳۶	.۰۲۶
ارزش فرزند	-.۱۲۹	.۰۴۳	-.۱۸۹	-۳.۰۰۴	.۰۰۳
مخالف با ازدواج تنظیم شده					
	-.۱۵۱	.۰۴۶	-.۲۰۷	-۳.۲۹۷	.۰۰۱
مخافت با ازدواج فامیلی	-.۱۴۳	.۰۴۶	-.۱۹۴	-۳.۰۷۷	.۰۰۲
اعتقاد به تقسیم کار سنتی خانوادگی	۱.۶۲	.۰۰۰	.۱۷۳	۲.۷۳۸	.۰۰۷

نتیجه گیری

در طول تاریخ ازدواج و تشکیل زندگی خانوادگی همواره امری ارزشمند و مهم بوده است، به طوری که بخش عمده ای جوانان معتقدند که ازدواج و زندگی خانوادگی مهم است و برای ازدواج و فرزندآوری و تربیت فرزندان خود را آمده می سازند. اما در دوره معاصر، روندهای نسبتاً مستمری در گرایش جوانان به استقلال فردی بیشتر و تحمل بیشتر تنوع رفتارهای خانوادگی و شخصی شکل گرفته است، که نتایج آن در افزایش سن ازدواج، پذیرش راحت تر طلاق، افزایش دوره مجرد ماندن و بی فرزندی منعکس شده است (Thornton and Young-DeMarco 2001). در این مقاله، ما به مقایسه تفاوت‌های بین نسلی نگرشها و ارزشهای مادران و دختران نسبت به ازدواج، تشکیل خانواده و فرزندآوری پرداخته ایم.

تغییر ارزشها و نگرشها در تبیین دلایل کاهش شاخص های ازدواج و افزایش طلاق از یک سو و کاهش باروری به سطوح پائین تر از سطح جانشینی سوی دیگر در جوامعی که از سطوح توسعه اقتصادی بالائی برخوردار نیستند، رهگشا و موثر باشد (Lesthaeghe and Surkyn 1988). سوال اول پژوهش ما این بود که تفاوت‌های نسل مادران و دختران در خصوص تفکیک نقشهای جنسیتی خانوادگی چیست؟ نتایج نشان داد که نگرش دختران نسل دختران در خصوص اینکه وظیفه زن خانه داری است و وظیفه مرد کار در خارج خانه است، تا حدود زیادی تضعیف شده است. دختران نسل جدید تمایل دارند مردان در مسئولیتهای خانوادگی نقش بیشتری داشته باشند و در عین حال حضور و مشارکت بیشتری در فعالیتهای خارج از خانه داشته باشند.

دومین سوال پژوهش این بود که تفاوت‌های نسلی مادران و دختران در خصوص انتخاب همسر، دامنه همسرگزینی و ازدواج خویشاندی چیست؟ نتایج نشان داد که مادران و دختران نسبت به ازدواج فامیلی و ازدواج تنظیم شده تقریباً نظرات مشابهی دارند. در عین حال نسل دختران تمایل دارند، ازدواج های آگاهانه تری را داشته باشند و قبل از ازدواج درباره همسر آینده شان شناخت کافی را بدست آوردند.

سومین سوال که این پژوهش به دنبال بررسی آن بود مقایسه ارزشهای ازدواج و خانواده در بین نسل مادران و دختران بود. نتایج نشان می دهد اساساً ازدواج و تشکیل خانواده برای هر دو نسل امری ارزشمند است، اما در عین حال اهمیت تجرد زیستی، میل به ازدواج در سنین بالاتر، نگرش سهل نگرانه تر به ازدواج در بین نسل دختران رو به تزاید گذاشته است.

چهارمین سوال این پژوهش آن بود که ارزش نقش مادری و داشتن فرزند در بین دختران نسل جدید کرد چه تغییراتی نموده است. نتایج نشان داد که در بین مادران مادر شدن و داشتن فرزند از جایگاه بالائی برخوردار بوده است، اما در بین دختران نسل جدید اگر چه همچنان ارزشمند است اما با کاهش های اساسی رو به رو بوده است. دختران امروزی مادر شدن را کمتر یک افتخار به شمار آورده اند، اهمیت داشتن فرزند در بین آنها کاهش یافته است. باورهای

سنتی در خصوص فرزند از جمله: فرزندان بعنوان برکت زندگی، فرزندان بعنوان عسای دوران پیری و فرزندان بعنوان تداوم دهنده نسل خانواده روی تضعیف گرائیده است. تورتون در نظریه ایده آلیسم توسعه استدلال می کند که ایده آلیسم توسعه در بسیاری از مناطق جهان نفوذ نموده است و بخصوص نسلهای جدید را به سوی رفتارهای خانواده مدرن ترغیب نموده است. ارزشهای خانواده "مدرن" شامل مواردی چون گسترش خانواده هسته‌ای، باروری پائین، تک همسری، حفظ استقلال فردی در کنار مسئولیتهای خانوادگی، ازدواج‌های خود تنظیمی و آگاهانه تر، ازدواج در سنین بالاتر و پذیرش راحت تر طلاق می‌باشد (Kavas and Thornton 2020). از سوی دیگر در نظریه گذار دوم جمعیتی لستاق (Lesthaeghe 2014) علاوه بر موارد فوق مواردی را چون بی فرزندی، گسترش طلاق، همخانگی را بعنوان مشخصه‌های گذار دوم جمعیتی در جوامع مدرن اروپائی تلقی می‌کند. به نظر می رسد که در تغییر ارزشها و نگرشهای ازدواج و خانواده سطحی از توسعه بالائی اقتصادی مهم نباشد، بلکه نفوذ ارزشها و نگرشهای مدرن در تغییر رفتارهای جمعیتی و خانواده افراد نقش مهمتری ایفا می کند.

به تعبیر عسکری ندوشن و همکاران (Askari Nodoushan, Abbasi Shavazi et al. 2009) بخشی از این تفاوت‌های بین نسلی ناشی از تفاوت‌های نسلی در مشخصه‌های اجتماعی مدرن نظیر: آموزش و تحصیلات، شهر نشینی، اشتغال، وسایل ارتباط جمعی، باشد و بخشی از آن نیز به تغییرات ایده‌ایی و پذیرش سریع‌تر و گسترده‌تر آن توسط نسل جدید مربوط باشد. بطور کلی این پژوهش نشان می دهد اگر چه ازدواج، تشکیل خانواده و فرزندآوری از نظر نسلهای جدیدتر دختران کرد همچنان ارزشمند است، اما آنها به راحتی ارزشهای سنتی ازدواج و خانواده را نمی پذیرد، آنها می خواهند در این زمینه ها آگاهانه تر عمل کنند، استقلال عمل بیشتری داشته باشند. برای آنها نیازهای سطح بالاتر اجتماعی از جمله خود شکوفائی، استقلال فردی، انتخاب های آگاهانه تر و تحمل تنوع رفتارهای خانوادگی ارزشمند شده است.

منابع

- آزاد ارمکی، ت، غفاری، غ (۲۰۰۲). تبیین نگرش نسلی به زن در جامعه ایران. " زن در توسعه و سیاست ۱(۳): فصلنامه پژوهش زنان. (۳)-۲۲-۷. (فارسی).
- آزاد ارمکی، ت (۲۰۰۰). بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی: با تأکید بر مقایسه مراسم آداب و کارکردهای حمایتی. " نامه علوم اجتماعی ۱۶(۱۶): ۲۹-۳۰. (فارسی).
- خسروشاهی، ح (۲۰۱۴). تفاوت بین نسلی در خانواده. مطالعات علوم اجتماعی ایران، ۱۱(۳): ۷۸-۹۰. (فارسی).
- سرایی، ح (۲۰۰۶). "تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران." نامه انجمن جمعیت شناسی ایران ۲(۱): ۳۷-۶۰. (فارسی).
- عباسی شوازی، م. محمدزاده، ح. سعید، خ. (۱۳۹۷). مقایسه میان نسلی ایدئال‌های ازدواج و فرزندآوری با تأکید بر نقش ویژگی‌های زمینه‌ای در شهرستان سنندج. مسائل اجتماعی ایران. ۹(۲): ۴۹-۷۶. (فارسی).
- عسکری ندوشن، ع. عباسی شوازی، م، صادقی، ر (۱۳۸۸). مادران، دختران و ازدواج (تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج در شهر یزد). مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان). ۱۱(۴۴): ۳۶-۷. (فارسی).
- عباسی شوازی، م. ترابی، ف (۱۳۸۵). سطح، روند و الگوی ازدواج خویشاوندی در ایران. نامه انجمن جمعیت شناسی ایران ۱(۲): ۶۱-۸۵. (فارسی).
- محمودیان؛ م رضائی، م (۱۳۹۱). "زنان و کنش کم فرزندآوری مطالعه‌ی موردی زنان کرد." فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان سابق) ۱۴(۵۵): ۱۷۳-۲۲۵. (فارسی).
- عباسی شوازی، محمد جلال و عسکری ندوشن، عباس (۱۳۸۴). تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران؛ مطالعه موردی استان یزد، نامه علوم اجتماعی، ۳(۲۵): ۷۵-۳۵. (فارسی).
- دانش، پروانه و زهراذاکری نصرآبادی (۱۳۹۳). (تحلیل جامعه شناختی شکاف نسلی در ایران، جامعه پژوهی فرهنگی، سال پنجم، شماره سوم، صص ۱-۳۰)
- کریمیان، حبیب‌الله و مهرداد نوابخش، (۱۳۹۶)، (تحلیل جامعه شناختی شکاف نسلی فرزندان و والدین در انتظار از نقش یکدیگر در خانواده شهری در ایران (مطالعه موردی شهر تهران)، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال نهم، شماره ۳، صص ۴۳-۲۱
- Abbasi-Shavazi, M. J. and S. Khani (2016). "Economic Insecurity, Marriage and Fertility Ideals: A Study among Mothers and Children Generations in Sanandaj District." *Population Studies* 2(2): 63-99.
- Abbasi-Shavazi, M. J., et al. (2009). *The fertility transition in Iran*, Springer.

-
-
- Abbasi-Shavazi, M. J. and R. Sadeghi (2015). "Socio-cultural adaptation of second-generation Afghans in Iran." *International Migration* 53(6): 89-110.
 - Abbasi, M. J., et al. (2002). "Revolution, war and modernization: Population policy and fertility change in Iran." *Journal of population research* 19(1): 25-46.
 - Allendorf, K., et al. (2019). "The influence of developmental idealism on marital attitudes, expectations, and timing." *Journal of Family Issues* 40(17): 2359-2388.
 - Askari Nodoushan, A., et al. (2009). "Mothers, Daughters, and Marriage (Intergenerational Differences in Marriage Attitudes in the City of Yazd, Iran)." *Women's Strategic Studies* 11(44 (summer 2009)): 7-36.
 - Chen, Z., et al. (2009). "Ambivalent sexism and power-related gender-role ideology in marriage." *Sex roles* 60(11): 765-778.
 - Dommermuth, L., et al. (2017). "Gender Equality in the Family and Childbearing." *Journal of Family Issues* 38(13): 1803-1824.
 - Friedman, D., et al. (1994). "A theory of the value of children." *Demography* 31(3): 375-401.
 - Goldscheider, F., et al. (2010). "Reconciling studies of men's gender attitudes and fertility: Response to Westoff and Higgins." *Demographic Research* 22: 189-198.
 - Hin, S., et al. (2011). "Fertility preferences: what measuring second choices teaches us." *Vienna Yearbook of Population Research*: 131-156.
 - Hoffman, L. W. (1987). "The value of children to parents and childrearing patterns." *Social Behaviour*.

 - Jensen, R. and R. Thornton (2003). "Early female marriage in the developing world." *Gender & Development* 11(2): 9-19.
 - Kavas, S. and A. Thornton (2020). "Developmental idealism and beliefs about marriage and fertility in Turkey." *Population Research and Policy Review* 39(1): 47-75.
 - Lesthaeghe, R. (2014). "The second demographic transition: A concise overview of its development." *Proceedings of the National Academy of Sciences* 111(51): 18112-18115.
 - Lesthaeghe, R. and J. Surkyn (1988). "Cultural dynamics and economic theories of fertility change." *Population and development review*: 1-45.
 - Mahmudian, H. and M. Rezaei (2012). "Women and low childbearing action: The case study of Kurdish women." *Women's Strategic Studies* 14(55 (spring 2012)): 173-225.
 - Malimonov, I. V., et al. (2018). "Global Changes of Family Unit in Modern Russia." *Astra Salvensis*(12).

- McDonald, P. (2000). "Gender equity, social institutions and the future of fertility." *Journal of the Australian Population Association* 17(1): 1-16.
 - Pampel, F. (2011). "Cohort changes in the socio-demographic determinants of gender egalitarianism." *Social Forces* 89(3): 961-982.
 - Rahman, K. A. and D. Zhang (2017). "Globalization and family values: Eroding trends." *International Journal of Social and Administrative Sciences* 2(2): 63-74.
 - Sharma, N., et al. (2005). "Intergenerational differences in the concept of marriage among Dogra Brahmin females (Mothers and daughters)." *The Anthropologist* 7(4): 253-256.
 - Thornton, A. (2001). "The developmental paradigm, reading history sideways, and family change." *Demography* 38(4): 449-465.
 - Thornton, A. (2019). The influence of the parental family on the attitudes and behavior of children. *The Changing American Family*, Routledge: 247-266.
 - Thornton, A., et al. (2012). "International fertility change: New data and insights from the developmental idealism framework." *Demography* 49(2): 677-698.
 - Thornton, A. and L. Young-DeMarco (2001). "Four decades of trends in attitudes toward family issues in the United States: The 1960s through the 1990s." *Journal of marriage and family* 63(4): 1009-1037.
 - Van de Kaa, D. J. (2002). "The idea of a second demographic transition in industrialized countries." *Birth* 35: 45.
 - Zaidi, B. and S. P. Morgan (2017). "The second demographic transition theory: A review and appraisal." *Annual review of sociology* 43: 473-492.
- Malhotra A., Tsui, A., & V. de Silva (1992) 'Mothers, Daughters and Marriage: Explaining Similarity in Generational Perceptions in Sri Lanka ', Unpublished Report. In: www.popline.org